جوانان آواره تونسی، روی دیگر سکه

ترجمه: محمدعلی عسگری

عکس: AP

قایق نیروهای گارد ساحلی تونس پروژکتور تجسسی خود را خاموش کرده و در جزیره‌ای صخره‌ای و کوچک کنار سواحل تونس پهلو می‌گیرد تا حرکت قایق‌های مهاجران به سوی سواحل ایتالیا را زیر نظر داشته باشد. بعد از اندکی، کاپیتان حسان الرابحی، فرمانده قایق گارد ساحلی، موتور قایق را روشن و حرکت می‌کند. به وسیله رادار نزدیک‌شدن یک قایق تیوپی کوچک را شناسایی کرده‌اند؛ قایقی که طولش فراتر از دو متر نمی‌رود و می‌تواند با خود ۱۴ مهاجر غیرقانونی را حمل کند. این یکی از ده‌ها قایقی است که هرشب از این منطقه عبور می‌کند. قایق‌ها مسافتی نزدیک به ۱۵۰ کیلومتر را از تونس به سمت جزیره سیسیل در ایتالیا در عرض دریای مدیترانه طی می‌کنند.

الرابحی می‌گوید: «اخیرا تونس به یک نقطه حرکت اصلی به سمت ایتالیا تبدیل شده است». افراد مسلح تحت فرمان او به جوانان وحشت‌زده دستور می‌دهند تا موتور قایق‌شان را خاموش کرده سوار قایق گارد ساحلی شوند. نگهبانان به‌سرعت آنها را با طناب می‌بندند.

تونس در ماه‌های اخیر به سکویی اصلی برای قاچاقچیان تبدیل شده تا به این وسیله مهاجران را به سمت سواحل ایتالیا روانه کند. توافق مقامات ایتالیایی با گارد ساحلی لیبی با کمک گروه‌های مسلح این کشور، موجب کاهش تعداد مهاجران از آن منطقه شد. به همان میزان که حرکت قایق‌های قاچاق از لیبی کاهش پیدا کرد و تعداد مهاجران از این کشور به ایتالیا کمتر شد، به همان میزان تعداد مهاجرانی که از تونس حرکت می‌کنند دو برابر شده است. به‌گونه‌ای که تعداد افراد بازداشت‌شده در ماه سپتامبر به حدود ۹۰۰ نفر رسید که دو برابر ماه‌های گذشته بود.

طبق بیانیه‌های رسمی دولت، نیروهای دریایی و گارد ساحلی تونس از ابتدای سال جاری بیش از سه هزار مهاجری را که در حال فرار به سواحل ایتالیا بودند، دستگیر کردند. گارد ساحلی می‌گوید قاچاقچیان در تونس یک گذرگاه جدید برای مهاجرانی تعبیه کرده‌اند که پیش‌تر از سواحل لیبی به سمت ایتالیا حرکت می‌کردند.

این مسئله به تونسی‌ها نیز فرصت تازه‌ای داده است تا به دنبال شغل مهاجرت کنند. با این حال تعداد مهاجران بیگانه بسیار بیشتر است. آنها از سواحل تونس به جزیره سیسیل می‌روند و می‌گویند این راه اغلب مواقع نسبت به بقیه راه‌ها امن‌تر است.

الرابحی که سال‌هاست در زمینه دریا تجربه دارد، می‌گوید: «سیسیل به نظر می‌رسد کمتر از لمبیدوزا کنترل می‌شود. ازاین‌رو هدف اصلی قایق‌هایی شده است که از تونس حرکت می‌کنند».

نیروهای دریایی تونس مراقبت ساحلی خود را تشدید کرده‌اند. اما رسیدن افرادی به اروپا و انتشار ویدئوهایی روی فیس‌بوک که در حال رقص و آواز بوده و دوستان‌شان را هم به رفتن دعوت می‌کنند، بسیاری از جوانان دیگر را وسوسه می‌کند تا برای رهایی از فقر و تنگدستی دل به دریا بزنند.

چند روز پیش تعداد زیادی از این جوانان مهاجر که در تونس به اسم «اژدر افکنان» شناخته می‌شوند تصاویر مربوط به رفتن‌شان به سیسیل را روی شبکه‌های اجتماعی گذاشتند. در یکی از این ویدئوها زنان، مردان و کودکانی دیده می‌شدند که انگشتان‌شان را به علامت پیروزی بالا برده بودند. دو جوان تونسی روی یکی از قایق‌ها دیده می‌شدند که در اشاره به رئیس‌جمهور تونس می‌گفتند: «السبسی ما تونس را برای تو گذاشتیم. خودت تنها بمان»!

انور که جوانی ۲۸ساله است، درحالی که از سرما می‌لرزد هشت ساعت را روی یک قایق تیوپی در وسط دریا سپری کرده و حالا نیروهای گارد ساحلی او را گرفته‌اند، می‌گوید: «من به این دلیل شرکت کردم که احساس می‌کردم سفر راحتی است. چون ویدئوهای زیادی از جوانان دیده بودم که خودشان را به ایتالیا رسانده بودند. به نظر می‌رسید سفر آنها سخت نبود».

تصاویری که به صورت روزمره روی توییتر یا فیس‌بوک گذاشته می‌شود به‌گونه‌ای است که تصور می‌کنی این یک سفر تفریحی و گردشگری است.

در بسیاری از مواقع، چند قایق از همان مکان در یک زمان حرکت می‌کنند و تقریبا ظهر روز بعد به جزیره سیسیل می‌رسند؛ جایی که بسیاری از مهاجران تونسی از کنترل نیروهای امنیتی گریخته و دور از چشم پلیس خود را وارد ایتالیا می‌کنند. این مهاجر بازداشت‌شده یعنی انور می‌گوید: «من بی‌کار بودم و در تونس امیدی نداشتم. همین باعث می‌شد تا شانسم را امتحان کنم. هفت سال بعد از انقلاب را تحمل کردیم اما هیچ چیزی عوض نشد... برعکس، هر روز نومیدی بیشتر می‌شد».

راه‌جایگزین

جزیره قرقنه، با آن زیبایی طبیعی و سحرکننده‌اش مثل سال‌های گذشته فقط قبله گاه گردشگران داخلی نیست بلکه هم‌اکنون به قبله‌ای برای فوج‌فوج مهاجرانی تبدیل شده است که از مناطق زیادی گریخته و پیش از سفر دریایی خود برای چند روز در خانه‌هایی نگهداری می‌شوند. جزیره قرقنه، در کل جزیره‌ای آرام است اما امروزه به نقطه حرکت اصلی قایق‌هایی تبدیل شده است که مهاجران غیرقانونی را به سمت سیسیل می‌برد. جزیره سیسیل از این جزیره حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله دارد.

منابعی به رویترز گفتند بیش از ۵۰ درصد از سفرهای مخفی به سیسیل در تابستان گذشته از این جزیره یعنی قرقنه صورت گرفته است. قرقنه در ۲۷۰ کیلومتری جنوب پایتخت تونس واقع است. این جزیره ۱۵۰ کیلومترمربع وسعت دارد و تعداد ساکنانش فراتر از ۱۵ هزار نفر نمی‌رود. بسیاری از جوانان این جزیره در خارج از آن زندگی می‌کنند. مهاجران، منابع امنیتی و قاچاقچیان می‌گویند قرقنه به اصلی‌ترین نقطه عزیمت برای اکثر مهاجرانی تبدیل شده است که از انزوای این منطقه واقع در فاصله ۳۰کیلومتری سواحل صفاقس و نیز کاهش حضور مأموران امنیتی استفاده می‌کنند. این درحالی است که مراقبت و کنترل‌ها در سواحل این جزیره هم بیشتر شده است. عملیات نجات مهاجران و کنترل آنها از ساحل قرقنه تقریبا به‌صورت روزمره درآمده است.

سال گذشته، معترضان در جریان یک‌سری اعتراضات خشونت‌آمیز، مراکز امنیتی و خودروهای پلیس را به آتش کشیدند. آنها خواستار توسعه جزیره قرقنه بودند. این اتفاق‌ها درعین‌حال یک خلأ امنیتی را به‌وجود آورد که چند هفته ادامه داشت تا اینکه دولت به‌تدریج موفق شد دوباره امنیت را به منطقه بازگرداند.

به‌نظر نمی‌رسد دولت تونس قادر به جلوگیری از این موج بزرگ مهاجرتی باشد. زیرا این دومین موج بزرگ از زمانی است که در سال ۲۰۱۱ به‌دنبال قیام برای سرنگونی زین‌العابدین‌بن‌علی، رئیس‌جمهوری سابق تونس، و ایجاد هرج‌ومرج در کشور پدید آمد و هزاران نفر با سوءاستفاده از آن موقعیت به اروپا رفتند. طبق آمارهای موجود از منابع امنیتی و خانواده‌ها در چند شهر تونس، در سه‌ماه گذشته حدود شش‌هزارنفر تونسی سوار بر همین قایق‌ها به‌دنبال رویاهای‌شان به اروپا رفته‌اند.

برعکس آنچه در لیبی جریان دارد، قاچاقچیان می‌گذارند تا مهاجران در دریا با سرنوشت خودشان مواجه شوند. تجارت قاچاق مهاجران در تونس اغلب به‌دست صیادان است. آنها تلاش می‌کنند در اغلب مواقع سفرهای امنی را برای مهاجران تدارک ببینند. هفته گذشته نیروهای دریایی هشت جسد را از آب گرفتند، حال آنکه ده‌ها نفر دیگر تاکنون مفقود شده‌اند. این اتفاق به‌دلیل برخورد یک کشتی وابسته به نیروی دریایی تونس با قایقی مملو از ۸۰مهاجر بود که اکثرشان را تونسی‌ها تشکیل می‌دادند. اما برخلاف گذشته، تعداد زیادی از تونسی‌ها بدون اینکه تحت تعقیب قرار بگیرند یا آزاری به آنها برسد، توانستند خودشان را به سیسیل برسانند.

این اتفاق کاملا با آن چیزی که در لیبی جریان دارد متفاوت است، زیرا کشتی‌ها یا نیروی دریایی ایتالیا مهاجرانی را که نجات می‌دهد، به‌سمت جزیره کوچک «لمبیدوزا» می‌کشاند؛ جایی‌که دیگر رفتن به داخل شهرهای ایتالیا یا اروپا را برای مهاجران دشوار خواهد کرد. بیشتر این افراد در آن جزیره بازداشت شده و دوباره برگردانده می‌شوند. به‌این‌ترتیب، نه‌تنها نقطه شروع عزیمت مهاجران به قرقنه با گذشته متفاوت است، نقطه وصول‌شان نیز به جزیره سیسیل تغییر کرده است.

یک مقام بلندپایه در گارد ملی تونس به رویترز می‌گوید اتکای قاچاقچیان به این راه جدید به احتمال زیاد به دلیل تمرکز زیاد نیروهای گارد ساحلی ایتالیا بر جزیره لمبیدوزا است. از آن گذشته، جزیره سیسیل یکی از بزرگ‌ترین جزایر دریای مدیترانه به‌شمار می‌رود و همین مسئله به مهاجران امکان فرار بیشتری می‌دهد تا موقعی که قایق‌های‌شان به این جزیره رسید بتوانند خود را از کنترل نیروهای امنیتی نجات دهند.

نومیدی‌فزاینده، عامل‌اصلی

با وخیم‌شدن اوضاع اقتصادی تونس، به‌خصوص پس از حملات گروه‌های افراطی که صنعت گردشگری این کشور را هدف قرار داد، تعداد کسانی که در رویای رفتن به اروپا بودند، به‌شکل ملموسی بیشتر شد. آرزوهای بسیاری از آنها از انقلاب به سراب واقعیت برخورد کرده و ناگزیر بودند مانند هزاران نفر دیگر بی‌کاری و پیامدهای ناگوارش را تجربه کنند.

یوسف الشاهد، نخست‌وزیر تونس، درباره مسئله مهاجرت غیرقانونی که تاکنون بحث‌های زیادی را به‌دنبال داشته است، در گفت‌وگو با تلویزیون «الحوار التونسی» گفت: «چرا جوانان ما کشور را ترک می‌کنند و دل به دریاها می‌زنند؟ برای اینکه آنها عدالتی نمی‌بینند. ما یک عدالت اجتماعی واقعی می‌خواهیم. ازهمین‌رو، به داشتن یک دولت عادل تأکید می‌کنیم». سرهنگ خلیفه الشیبانی، سخنگوی گارد ملی، می‌گوید: «نیروهای این نهاد تاکنون توانسته‌اند بسیاری از تلاش‌های قاچاق را ناکام بگذارند؛ تلاش‌هایی که با بهبود اوضاع جوی و ترغیب قاچاقچیان به اینکه سفرهای غیرقانونی امنیت بیشتری دارد، افزایش یافته است». او می‌گوید: «پدیده جدید، مشارکت بسیاری از زنان و کودکان و حتی یک خانواده به‌طورکامل در این سفرهای غیرقانونی است. این مسئله به شبکه‌های قاچاق مهاجران و قاچاق کالاها ازجمله سیگار بین تونس و ایتالیا نیز مربوط می‌شود». همه جوانانی که نیروهای گارد ساحلی بازداشت کرده است، می‌گویند که وقتی آزاد شدند دوباره شانس‌شان را امتحان خواهند کرد. این مسئله نشان می‌دهد که نَبَرد مقامات تونسی با قاچاق مهاجران غیرقانونی کار آسانی نیست. این درحالی است که همین جوانان می‌گویند در راه با چه خطراتی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و حتی موتور قایق‌شان برای طی‌کردن مسافتی ۴۰کیلومتری هشت‌بار متوقف شده است.

> **«خواهش می‌کنم ما را رها کنید، بگذارید به سفرمان ادامه بدهیم!» این صدا که دردی را در خود پنهان داشت متعلق‌به «حسان شوشان» بود؛ کسی که اصرار داشت هرطور شده خودش را به آن‌سوی مدیترانه برساند. او می‌گفت باوجود خطرها نمی‌خواهد به کشورش برگردد**

هنگامی که نیروهای گارد ساحلی، قایق کوچک آنها را توقیف کرد، در تاریکی صدای جوانی را شنیدیم که فریاد می‌زد: «خواهش می‌کنم ما را رها کنید، بگذارید به سفرمان ادامه بدهیم!» این صدا که دردی را در خود پنهان داشت متعلق‌به «حسان شوشان» بود؛ کسی که اصرار داشت هرطور شده خودش را به آن‌سوی مدیترانه برساند. او می‌گفت با وجود همه خطرها نمی‌خواهد به کشورش برگردد. شوشان که قیافه‌ای کثیف دارد و لباس‌هایش همه خیس شده‌اند می‌گوید: «دوباره برخواهم گشت. من مرگ را بر تونسی که در آن کرامت آدمی حفظ نمی‌شود ترجیح می‌دهم... این یک حماقت محض است که در تونس بمانی و با یک قایق به‌دنبال زندگی دیگری نروی». درحالی‌که می‌توان حسرت را در چشمانش دید، اضافه می‌کند: «وقتی گارد ساحلی ما را متوقف کرد احساس کردم رؤیایم درهم شکست. پیش از آن احساس می‌کردم فقر و بدبختی را پشت‌سر گذاشته‌ام. از سرخوردگی در تونس خسته شده بودم».

حسان که روزگاری به‌عنوان راهنمای تور فعالیت می‌کرد، اکنون کارش را از دست داده و چند سال می‌شود بی‌کار است. او می‌گوید: «من تابه‌حال چهاربار به صورت غیرقانونی به ایتالیا رفته‌ام، اما دولت ایتالیا من را برگرداند. تابه‌حال سه بار گارد ساحلی من را بازداشت کرده، اما دوباره برمی‌گردم. هرچه برایم هزینه داشته باشد، قطعا دوباره این کار را خواهم کرد».

انتقال دموکراتیک قدرت در تونس با استقبال جهانی مواجه شد، اما دولت‌های بعد از قیام سال ۲۰۱۱ نتوانستند رونق اقتصادی را به وجود آورند یا برای هزاران جوان بی‌کار فرصت‌های شغلی فراهم کنند. همین مسئله موجب شد تعداد زیادی از همین جوانان بی‌کار عازم کشورهای خارجی شوند. مسئولان گارد ساحلی می‌گویند حدود ۸۰ درصد از مهاجرانی که از تونس به سیسیل می‌روند، اهل همین کشور هستند؛ هرچند به‌تازگی لیبیایی‌ها، مراکشی‌ها و جوانانی از جنوب صحرای آفریقا نیز به‌وسیله شبکه‌های گسترده قاچاق انسان به این مجموعه اضافه شده‌اند. نیروهای گارد ملی تاکنون تعداد زیادی از این شبکه‌ها را متلاشی و قاچاقچیان را بازداشت کرده است؛ اما چالش بزرگ در اینجاست که هم‌زمان بسیاری از جوانان نه‌تنها خود که خانواده‌های‌شان را هم تشویق می‌کنند تا به این سفرهای غیرقانونی روی بیاورند.

هفته گذشته ناوشکن البینو وابسته به نیروی دریایی ایتالیا به بندر «حلق الوادی» رسید تا در مانور مشترک با ارتش تونس به‌منظور کنترل مهاجران غیرقانونی شرکت کند. آنها عملیات جست‌وجو و نجات در دریا را در حالی انجام دادند که قاچاق مهاجران به‌ویژه از طریق تونس روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

باشگاه حقوق اجتماعی و اقتصادی تونس می‌گوید حدود پنج هزار مهاجر در سه ماه گذشته در سفرهای غیرقانونی شرکت کرده و دست‌کم دو هزار نفرشان به ایتالیا رسیده‌اند. لیبی هنوز هم نخستین نقطه برای حرکت به سمت سواحل ایتالیاست. آمارهای سازمان جهانی مهاجرت نشان می‌دهد تعداد مهاجرانی که از ابتدای سال ۲۰۱۷ از لیبی حرکت کرده‌اند به حدود ۱۰۸ هزار نفر می‌رسد.

بااین‌همه به نظر می‌رسد روند مهاجرت‌های غیرقانونی به شکل واضحی در ماه‌های گذشته کاهش پیدا کرده است. انریکو کریدنینو، فرمانده عملیات دریایی اروپا که مسئول مبارزه با مهاجرت‌های غیرقانونی است، می‌گوید تعداد مهاجران تابستان ۲۰۱۷ در مقایسه با تابستان ۲۰۱۶، به میزان ۷۵ درصد کاهش پیدا کرده است. با تشدید کنترل بر نقاط اصلی در لیبی، تونس به پایگاهی جایگزین برای بسیاری از جوانان تونسی تبدیل شد؛ آنها پیش از این به لیبی می‌رفتند تا از آن طریق وارد چرخه سفرهای غیرقانونی شوند.

خانواده‌ها و شاهدان عینی روستای کوچک «اولاد عامر» می‌گویند حدود ۳۰۰ نفر از جوانان ساکن روستای‌شان - با جمعیتی معادل چهار هزار نفر - سوار بر قایق و روانه ایتالیا و جزیره سیسیل شده‌اند. این روستا در نزدیکی تفرجگاه سیاحتی سوسه قرار دارد که دو سال پیش در معرض حمله افراط‌گرایان قرار گرفت. منابع امنیتی و خانواده‌ها همچنین می‌گویند حدود ۶۰۰ نفر از شهر تطاوین به همین سفرها رفته‌اند. بیش از هزارو ۵۰۰ نفر دیگر از جمله کودکان و زنان از مناطق منستیر، صفاقس، هرقله، بنزرت، قلیبیه، شابه، قبلی و بالاخره سیدی بوزید نیز به همین سفرها رفته‌اند. امروزه در تونس جوانان در قهوه‌خانه‌ها و بنادر می‌نشینند و به‌صورت علنی درباره برنامه‌های‌شان برای سفرهای یادشده صحبت می‌کنند. در بندر منستیر روی یک قایق ماهیگیری با گروهی از جوانان صحبت کردیم که برای رفتن به ایتالیا برنامه‌ریزی می‌کردند. این جوانان به چیزی افتخار نمی‌کنند و از چیزی جز نیروهای گارد ملی نمی‌ترسند. آنها درحالی‌که ترانه‌های محلی می‌خوانند درباره مهاجرت و رم صحبت می‌کنند.

مروان سلام که ۲۵ سال دارد می‌گوید: «احساس سرخوردگی و نومیدی شدیدی می‌کنم... . سراغ دولت رفتم، ردم کردند و گفتند شغلی نیست. سراغ بخش خصوصی هم رفتم همین‌طور بود. درخواست یک وام برای خرید یک قایق کوچک کردم، ولی کسی به درخواستم توجهی نکرد. همه من را رها کردند تا به این سرنوشت مجهول گرفتار شوم». مروان همراه دوستانش که ماهیگیرند مشغول قاچاق مهاجران هستند. چند روز بعد متوجه می‌شویم که این افراد نیز موفق شده‌اند از منستیر به سیسیل سفر کنند. آنها می‌گفتند از زندانی‌شدن واهمه‌ای ندارند. وقتی مهاجران بازداشت شوند تحویل دادگاه می‌شوند، اما معمولا آنها از مجازاتی که چند روز زندانی‌شدن یا یک جریمه مالی را شامل می‌شود می‌گریزند.

یکی از قاچاقچیانی که جوانان را از منستیر به سیسیل رسانده، می‌گوید: «من از چیزی نمی‌ترسم... مسئله فقط چند روز بازداشت است. از آن گذشته من فقط قایق‌های امن را هدایت می‌کنم و در هر سفر ۴۰ یا ۵۰ نفر را بیشتر نمی‌برم. رسیدن ما به آن سوی ساحل کاملا تضمین‌شده است».

بهشت‌اروپا؛ سراب‌یاحقیقت

هنگامی که این مهاجران به ایتالیا می‌رسند، راه خود را برای ورود به اروپا هموار می‌بینند. فرحات منصور ۲۶ساله، یکی از ده‌ها جوان اهل روستای اولاد عامر است که در سفری پرمخاطره سوار بر قایق‌های مرگ شد و خود را به ایتالیا رساند. فرحات که اکنون در میلان زندگی می‌کند، می‌گوید: «من به‌همراه ۱۰ نفر از دوستانم از قرقنه حرکت کردیم. بعد از چند روز به سیسیل رسیدیم. وقتی به سواحل ایتالیا نزدیک می‌شدیم، قایق ما سرگردان شد و ما ناچار شدیم با سرنوشت مجهولی دست‌وپنجه نرم کنیم. سرانجام یک قایق دیگر به نجات ما آمد». او می‌گوید سه‌هزار دینار به کارچاق‌کن این سفر داده است و اضافه می‌کند «صبح زود حرکت کردم. چند دختر هم با ما بودند. سپس به یک بازداشتگاه ایتالیایی منتقل شدیم و هفت روز را آنجا بودیم. آنجا بود که صدها تونسی دیگر را دیدم. پلیس ایتالیا کسانی را که فکر می‌کرد عضو گروه‌های تندرو هستند فورا جدا می‌کرد و برمی‌گرداند. من بین ده‌ها نفری بودم که یک ویزای موقت فقط برای یک هفته گرفتم و به‌این‌وسیله توانستم وارد میلان شوم. آنجا بود که خودم را از چشم پلیس پنهان کردم».

راه فرحات پس از آن هم خطرات کمتری نداشت. خودش می‌گوید: «خیلی ناامید شدم. احساس می‌کردم آن چیزی را که ده‌ها سال بود دنبالش می‌گشتم این نیست. حتی در بدترین کابوس‌هایم هم چنین چیزی را تصور نمی‌کردم».

این جوان تونسی که بسیار علاقه‌مند به دست‌یافتن به رؤیای اروپایی‌اش بود، درحال‌حاضر در جمع آوارگان زندگی می‌کند. او نه خانه‌ای دارد که به او پناه دهد و نه ثروتی یا موقعیتی. شب‌ها گاه ناچار می‌شود زیر پل‌ها یا در خانه‌های دور افتاده بخوابد. او تاکنون موفق نشده برای خود شغلی دست‌وپا کند.

باوجود همه این مشکلات، این جوان همچنان اصرار دارد که در اروپا بماند و هرگز به تونس برنگردد، مگر اینکه ثروتی برای خود اندوخته باشد یا در ایتالیا به یک اقامت دائم دست پیدا کرده باشد. فرحات می‌گوید: «یک هفته است که بی‌حاصل دنبال کار می‌گردم. درست است که اینجا هم کار کم پیدا می‌شود، اما در تونس اصلا پیدا نمی‌شود. اینجا اگر چند روز هم کار کنی پولی به دست می‌آوری، اما همین درآمد را ۱۰ سال نمی‌توانی در تونس به دست آوری. یک یورو اینجا معادل سه دینار تونسی است. این خودش همه‌چیز را نشان می‌دهد».

منبع: رویترزعربی

نگاه

فرار از ویرانه‌ها به بیابان‌ها

گروه تروریستی داعش که در ماه‌های اخیر در سوریه مناطق تحت سلطه خود را یکی پس از دیگری از دست داد، اخیرا رو به بیابان‌های دورافتاده آورده است؛ جایی که کارشناسان می‌گویند آنها در حال تجدید سازمان و آماده‌سازی خود برای ظهور مجددند. آنان بر این باورند جنگ پایان نیافته و فقط از جبهه‌ای به جبهه دیگر منتقل شده است. این گروه سنی‌مذهب که با تصرف شهرهای بزرگی در سوریه و عراق، از جمله رقه و موصل ادعای «خلافت» کرده بود اگرچه ممکن است مغلوب شده باشد، اما به عقیده بسیاری هنوز از بین نرفته است. به گزارش دویچه‌وله، از مناطق شهری و مسکونی سوریه که بگذریم، به بیابانی وسیع به نام «بادیه‌الشام» می‌رسیم. این بیابان که به غارها و کوهستان‌های سربه‌فلک‌کشیده خود معروف است شامل مناطقی در جنوب شرقی سوریه، شمال شرقی اردن، شمال عربستان سعودی و غرب عراق می‌شود و وسعتی حدود ۵۰۰ هزار کیلومترمربع را دربر می‌گیرد.

این سرزمین متروکه که برای اختفا فوق‌العاده است دومین خانه داعش قبل از اعلام خلافت بود. کارشناسان تخمین می‌زنند برای عملیات جست‌وجو و کنترل دائم داعش در این بیابان به صدها هزار نظامی نیاز است.

عمر ابو لیلی، از فعالان سوری ساکن اروپا که پیش از این در استان شرقی دیرالزور بوده، می‌گوید: «آنها عاشق جنگ در داخل بیابان هستند و به راه‌های قبلی خود برمی‌گردند».

اکنون به نظر می‌رسد رهبران داعش طرح‌های احتمالی برای تجدید سازمان در بیابان و شروع حمله از آنجا در پیش داشته باشند؛ درست مانند سلف خود شبکه القاعده عراق که برای بیش از یک دهه بعد از حمله ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ به این شکل عمل می‌کرد. بعضی از این طرح‌ها هم‌اکنون نیز به نمایش درآمده است. در شرق سوریه در شهر میادین که سابق بر این دژ داعش محسوب می‌شد، در اوایل ماه جاری (اکتبر) شبه‌نظامیان این گروه فقط بعد از چند روز جنگ با نیروهای دولتی سوریه عقب‌نشینی کرده و در بیابان مخفی شدند. پاول فانک، ژنرال عالی‌رتبه آمریکایی در عراق، می‌گوید داعش می‌خواهد زمان بخرد و از دعواهای سیاسی و منازعاتی مانند آنچه در ماه جاری میان عراقی‌ها و نیروهای کرد اقلیم خودمختار کردستان بر سر رفراندوم استقلال این خطه رخ داد، سود بجویند. ژنرال جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، نیز می‌گوید داعش اکنون در موضع دفاعی قرار گرفته، اما باید مراقب بود که دوباره سامان نیابد. بااین‌حال، کارشناسان می‌گویند این کار دشوار است. دانا جلال، خبرنگار عراقی ساکن سوئد که از نزدیک تحرکات این گروه جهادگرا در خاور میانه را دنبال کرده، معتقد است داعش به «سازمان تروریستی زیرزمینی» تبدیل خواهد شد. القاعده نیز در عراق تقریبا در سال ۲۰۰۷ به وسیله آمریکا و نیروهای عراقی در هم کوبیده شد. اما بعد از خروج آمریکایی‌ها از عراق در سال ۲۰۱۱ این شبه‌نظامیان دوباره خود را سامان داده و حتی قوی‌تر از قبل در میدان ظاهر شدند. موتلو چیویراوغلو، تحلیلگر کرد ساکن واشنگتن که نبردها علیه داعش را دنبال می‌کند، می‌گوید گروه داعش باز هم «پایگاه حمایت‌کننده‌ای در عراق پیدا می‌کند»؛ کشوری که در آن نارضایتی از دولت بالاست. او می‌گوید داعش بعد از عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی خود در عراق و سوریه سعی می‌کند حضورش در لیبی، یمن، افغانستان، شمال آفریقا و سایر مناطق را افزایش دهد. به گفته او، تنها این حقیقت که این گروه در حدود ۳۰ کشور در سراسر جهان دست به حملاتی می‌زند گواه «توانایی جهانی» آن است. چیویراوغلو با اشاره به خشم و نارضایتی‌های موجود می‌گوید هنوز عده‌ای می‌توانند مورد بهره‌برداری این گروه قرار گیرند و خلاص‌شدن از دست خلافت آنها به معنای رهایی از تهدید این گروه نیست.

یادداشت

قمار سیاسی در اسپانیا

اردشیر زارعی‌قنواتی

در اسپانیا بعد از برگزاری همه‌پرسی استقلال «کاتالونیا»، سیر تحولات شتابناک آن می‌رود تا تبدیل به یک بحران عمیق ملی شود که در صورت پافشاری دولت مادرید و حامیان استقلال بر مطالبات خود، حتی می‌تواند موجب بروز خشونت در این کشور اروپایی شود. برگزاری همه‌پرسی در اول ماه اکتبر بر خلاف تصور رهبران استقلال‌طلب کاتالونیا و دولت خودمختار «کارلوس پوجدمون»، با واکنش بسیار تند مادرید و «ماریانو راخوی»، نخست‌وزیر این کشور، روبه‌رو شد که از این موضوع برای مرعوب‌کردن احزاب اپوزیسیون و حمایت ملی در پشت‌سر خود استفاده کرد. در فاصله بین روز برگزاری همه‌پرسی و جلسه پارلمان محلی کاتالونیا در ۱۰ اکتبر که تمام شواهد نشان می‌داد مادرید توانسته است اسپانیا، اتحادیه اروپایی و جامعه جهانی را با خود همراه کند، متأسفانه رهبران استقلال‌طلب با اشتباه محاسبه از توازن قدرت داخلی و خارجی با اتکای به رأی حدود ۹۰ درصدی در انتخاباتی که حدود ۴۳ درصد در آن شرکت کرده بودند، دچار یک خطای استراتژیک شدند که امروز باید در گوشه رینگ زیر ضربات سنگین طرف مقابل قرار بگیرند.

شباهت کامل این همه‌پرسی با همه‌پرسی استقلال کردستان عراق که تقریبا به فاصله چند روز با همدیگر برگزار شدند، به یک نتیجه مشترک ختم شد و آن اینکه در نبود حمایت خارجی قدرتمند در پشت‌سر این اقدامات در دنیایی که نظم آن متکی بر هژمونی قدرت و مناسبات منطقه‌ای است، هرگونه تغییر جغرافیای سیاسی با مقاومت داخلی و خارجی مواجه می‌شود و در ذات خود به استقبال رفتن به سمت یک شکست و نتیجه از قبل محتوم است. از آنجا که موتور محرکه هر دو همه‌پرسی در کاتالونیای اسپانیا و کردستان عراق تقابل ناسیونالیسم محلی در مقابل ناسیونالیسم و حاکمیت ملی بوده و هیچ سنخیتی با روندهای انقلابی نداشت، لاجرم تعیین‌کننده نتیجه نیز تابع تناسب قوای موجود بوده و از قبل فرجام آن قابل پیش‌بینی بود.

نکته جالب و تا حدود زیادی قابل ابهام، در چگونگی مواجهه میانجی‌گران بین‌المللی و منطقه‌ای با وضعیت در این دو «همه‌پرسی» تقریبا هم‌زمان بود. درحالی‌که درباره روابط متشنج بغداد - اربیل نیروهای فرامنطقه‌ای و همسایگان این کشور در حین مخالفت با موضوع به صورت مستمر درصدد میانجی‌گری و مدیریت بحران بودند، اما در روابط مخدوش‌شده بین مادرید - بارسلونا تقریبا هیچ اقدامی برای میانجیگری انجام نشد و حتی اتحادیه اروپا ضمن حمایت از مواضع مادرید، گامی در جهت مدیریت بحران برنداشت.

بی‌توجهی به آنچه در کاتالونیا می‌گذشت، دولت پوجدمون را در برزخی رها کرد که امکان مصالحه را تا حدود زیادی مسدود کرده و امروز نیروی قوی‌تر تمام خواست و میل خود را می‌تواند بر نیروی ضعیف‌تر تحمیل کند. متأسفانه این پالس‌ها و نشانه‌های بازدارندگی را رهبران کاتالونیا به‌درستی در تحلیل و محاسبات خود لحاظ نکردند و در فاصله ۹ روزه بین برگزاری همه‌پرسی و اولین جلسه پارلمان که زیر فشار مادرید - بروکسل مجبور به تعلیق نتیجه آن شد، به دلیل عدم استفاده از این موضع به‌عنوان یک فرصت برای مصالحه و کسب امتیاز، نه‌تنها برای دولت محلی کاتالونیا حاصلی نداشت که به‌نظر می‌رسید سیاست‌مداران اروپایی ترجیح می‌دهند عنصر نافرمان را به‌شدت تنبیه کنند.

این رویه اتحادیه اروپا قبلا نیز درباره بحران سیاسی یونان به کار گرفته شده بود و با تمکین کامل حزب حاکم «سیریزا» و گردن‌نهادن به خواست این اتحادیه تنها اجازه بازگشت به نقطه صفر را در حاصل کار به‌همراه داشت. رهبران استقلال‌طلب کاتالان از آنجا که به‌نظر می‌رسد هیچ درک درستی از مناسبات قدرت در عرصه ملی و منطقه‌ای، به‌ویژه ماهیت و مکانیسم جاری در اتحادیه اروپا ندارند، امروز در مقابل عمل انجام‌شده کاملا خلع‌سلاح شده و در شرایطی که دولت مادرید با استفاده از ماده ۱۵۵ قانون اساسی دولت محلی را منحل کرده است، تنها اهرم فشار را در مقاومت دموکراتیک حامیان استقلال می‌دانند.

انحلال دولت محلی از سوی سنای اسپانیا در روز ۲۷ اکتبر که با تشبث با همان اصل ۱۵۵ قانون اساسی انجام گرفت و از طرف دولت معاون نخست‌وزیر «ثریا سائنز دو سانتامارِیا» را مسئول اداره منطقه کاتالونیا کرد، از هم‌اکنون به همان نسبت که در این ایالت تنش و آنارشی را حاکم کرد، تا حدودی مواضع ماریانو راخوی و راست‌گرایان در کل اسپانیا را هم تقویت کرده است. اعلان زمان برگزاری انتخابات پیش از موعد در کاتالونیا از سوی دولت مرکزی اسپانیا برای روز ۲۱ دسامبر در بحبوحه این کشاکش سیاسی و میتینگ‌های بزرگ خیابانی خبر از یک تنش دوماهه در کاتالونیا می‌دهد که امکان بروز خشونت در آن بسیار بالا رفته است.

هرچند حدود نیمی از مردم کاتالونیا مخالف استقلال این منطقه از اسپانیا بودند، اما بخش بزرگی از این مخالفان در طبقه‌بندی موافقان مادرید نخواهند بود و آنان نیز هم‌اکنون در خیابان علیه اقدامات دولت مرکزی در کنار موافقان همه‌پرسی در اعتراضات شرکت دارند. این‌بار توهم قدرت ظاهرا گریبان راخوی را هم گرفته و او با بستن تمام راه‌های مصالحه ملی تنها به فکر بازسازی موقعیت سیاسی خود با استفاده از شرایط است که در هفته‌های آینده چنانچه مخالفان او در کاتالونیا این‌بار درست عمل کنند، هم اینکه «حزب مردم» او در این انتخابات محلی به‌شدت شکست می‌خورد و هم اینکه جناح چپ اسپانیا فرصت می‌یابد تا سیاست‌های تندروانه او را به نقد کشیده و موقعیت حبابی کنونی را از او سلب کند.

در چنین شرایطی که هیچ شانسی برای استقلال‌طلبان برای رسیدن به خواست تاریخی آنان وجود ندارد، این نیروی بزرگ در کاتالونیا باید روابط خود را با چپ کاتالان و جناح چپ اسپانیا ترمیم و در جهت همکاری حول یک پلتفرم مشترک با آنان حرکت کند. هم‌اکنون با جلسات تقریبا هم‌زمان پارلمان محلی کاتالونیا در روز جمعه، ۲۷ اکتبر که با رأی ۷۰ نماینده از ۱۳۵ نماینده پارلمان رأی به اعلان استقلال داد و در مقابل مجلس سنای اسپانیا نیز در همان روز رأی به انحلال دولت محلی کاتالونیا داد، اسپانیا وارد یک بحران سیاسی شده است که از هم‌اکنون به دلیل سیال‌بودن رخدادها و تحولات پیش‌رو نمی‌توان تصویر روشنی از نتیجه کار و فرجام این وضعیت بحرانی را مشخص کرد. آنچه اما تا حدود زیادی می‌توان انتظار داشت، تشدید بحران در اسپانیای از قبل درگیر بحران اقتصادی و همچنین تشدید تنش و کم‌ثباتی در کاتالونیای دوقطبی‌شده است. اتحادیه اروپا نیز به‌لحاظ عدم ایفای نقش میانجی‌گرانه خود به دلیل حمایت یک‌جانبه از مادرید تا حدود زیادی اعتبار خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی از دست خواهد داد و این موضوع هیچ